

گونه‌شناسی روایات تفسیری منقول از صادقین (علیهم السلام) در تفسیر الدر المنثور سیوطی

(تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۰)

دکتر نهله غروی نائینی*، نرگس نطقی**

چکیده

جلال‌الدین محمد بن ابوبکر سیوطی از جمله مفسران قرن دهم هجری اهل سنت است که تفسیر قرآن را به صورت ترتیبی از ابتدا تا پایان قرآن به کمک روایات سامان داده است و از آنجا که هیچ نقد و نظری درباره روایات تفسیرش ارائه نداده، به نظر می‌رسد که این اخبار مورد تأیید او بوده است. سیوطی در تفسیر خود روایات فراوانی از راویان گوناگون از جمله امامان معصوم (علیهم السلام) نقل کرده است؛ هرچند نسبت روایات ائمه نسبت به روایات سایر راویان بسیار اندک است. در این تفسیر ۶۵۰ روایت از امامان شیعه نقل شده است که از این میان، ۹۷ روایت از صادقین (علیهم السلام) است. مقاله حاضر به گونه‌شناسی و ارزیابی روایات تفسیری منقول از صادقین (علیهم السلام) در تفسیر الدر المنثور سیوطی پرداخته است.

واژگان کلیدی: روایات تفسیری، صادقین (علیهم السلام)، سیوطی، الدر المنثور.

مقدمه

تفسیر الدر المنثور از جامع‌ترین تفاسیر اثری اهل سنت در قرن دهم هجری است. سیوطی ذیل آیات، روایات بسیاری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، صحابه، تابعیان و تابعان تابعیان نقل کرده است، اما به دلیل آن که نظر خود را بیان نکرده و تنها در موارد معدودی در قوت یا ضعف حدیث نظر داده است، این اقدام وی حمل بر قبول روایات از سوی وی می‌گردد، حال آن که در میان این روایات، اخبار قابل نقد نیز یافت می‌شود. بیشتر روایات تفسیری

*. استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران.

** (نویسنده مسؤل)، دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس تهران؛ Nnotghi@yahoo.com

موجود در تفسیر سیوطی از ابوهریره^۱ نقل شده است. همچنین روایات بسیاری از ابن عباس، که از شاگردان امیرالمومنین (علیه‌السلام) بوده، نقل شده است، در حالی که روایات نقل شده از حضرت علی (علیه‌السلام)، که اولین مفسر قرآن بعد از رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله) می‌باشند و نزدیک‌ترین فرد به آن حضرت در میان صحابه بودند، اندک است. در این تفسیر، معبود روایاتی از برخی ائمه دیگر همچون امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) نیز یافت می‌شود. مجموع روایات منقول از ائمه معصوم (علیهم‌السلام) در این تفسیر، ۶۵۰ روایت است که از این میان، ۴۰ روایت از امام باقر (علیه‌السلام) و ۳۷ روایت از امام صادق (علیه‌السلام) است.^۲ در تفسیر الدر المنثور، روایاتی به نقل از ائمه معصوم (علیهم‌السلام) ذکر شده است که برخی از این روایات جعلی است، چنان‌که علامه طباطبایی بر برخی از این روایات نقد وارد کرده است. در روایات تفسیری منقول از صادقین (علیهم‌السلام) نیز مواردی از این قبیل روایات، به چشم می‌خورد؛ از جمله روایتی که ذیل آیه دوم از سوره فتح نقل شده است. (سیوطی، ۶: ۱۴۰۴، ۷۰) با ملاحظه چنین نمونه‌هایی این پرسش مطرح می‌شود که ارزش روایات منقول از امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) در تفسیر الدر المنثور چگونه است؟ برای پاسخ این پرسش، روایاتی که در الدر المنثور از این دو امام بزرگوار نقل شده است، با روایات منقول در منابع شیعی مقایسه شده و موارد اشتراک و افتراق بیان شده است. گفتنی است در این مقاله، از بررسی روایات قابل نقد از نظر سندی و رجالی خودداری شده و تنها به نقد متن حدیث پرداخته شده است. از مهم‌ترین مواردی که باید در نقد متن احادیث مورد توجه قرار داد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم مخالفت حدیث با قرآن، روایات و سنت قطعی معصومان (علیهم‌السلام)، عدم مخالفت با مقتضیات قطعی عقل، عدم مخالفت با واقعیات مسلم تاریخی، عدم اختلاف و اضطراب در متن حدیث و... (غروی نائینی، ۱۳۷۹: ۷۹-۶۹؛ معماری، ۱۳۸۶: ۱۶۹)

بحث و بررسی

۱- گونه‌شناسی روایات صادقین (علیهم‌السلام) در تفسیر الدر المنثور

روایات تفسیری در گونه‌های مختلفی از قبیل روایات بیان‌کننده ثواب و عقاب اعمال، اسباب نزول، شأن نزول، بیان تفصیل آیات، بیان فضایل افراد، فضایل ناروا، روایات

۱. حتی برخی از علمای اهل سنت، مانند ابوریه، او را از واضعان حدیث می‌شمارند.

۲. در این شمارش، احادیثی که در سند آن «عن جعفر بن محمد عن ابیه» آمده است، در شمار روایات امام صادق (علیه‌السلام) محسوب شده است.

فقهی، روایات تمثیلی و... می‌گنجد. روایات تفسیری منقول از صادقین (علیهما السلام) در تفسیر الدر المنثور را نیز می‌توان در این دسته‌ها دسته‌بندی کرد.

۱-۱- روایات بیان‌کننده ثواب و عقاب اعمال

در روایات تفسیری ائمه معصوم (علیهم السلام)، پاداش یا کیفر برخی اعمال بیان شده است. از این دست روایات، در روایات منقول از صادقین (علیهم السلام) نیز یافت می‌شود که این روایات به شرح زیر است:

۱- سیوطی، ذیل آیه ۱۹۶ سوره بقره از امام باقر چنین روایت می‌کند: «و أخرج الأصبهانی، عن أبي جعفر محمد بن علي، عن أبيه، عن جده قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و [آله سلم]: ما من عبد يدع الحج لحاجة من حوائج الدنيا الا رأى المحلقين قبل أن يقضى تلك الحاجة و ما من عبد يدع المشى فى حاجة أخيه المسلم قضبت أو لم تقض الا ابتلى بعونه من يأثم عليه و لا يؤجر فيه.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱، ۲۱۱)

۲- در تفسیر آیه ۱۵۲ سوره بقره آمده است: «و أخرج الخرائطی، عن جعفر بن محمد بن علي بن حسين بن علي بن أبي طالب قال: اشكر المنعم عليك فانه لا نفاذ للنعم إذا شكرت و لا بقاء لها إذا كفرت و الشكر زيادة فى النعم و أمان من الغير.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱، ۱۵۵) این روایت در برخی از منابع شیعی از جمله مشکات الانوار (طبرسی، ۱۳۸۵: ۳۱) و بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳: ۳۶) به طرق مختلف از امام صادق (علیه السلام) گزارش شده است. برخی از متون نیز این روایت را، با اندک تفاوتی همچون "آمان من التغير" و "آمان من الفقر" گزارش کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳، ۶۸، ۲۷ و ۵۵؛ ۷۵، ۲۴۱)

۳- سیوطی در تفسیر آیه ۱۷ سوره آل عمران این روایت را از امام صادق (علیه السلام) گزارش کرده است: «و أخرج ابن جرير، عن جعفر بن محمد قال: من صلى من الليل ثم استغفر فى آخر الليل سبعين مرة كتب من المُستَغْفِرِينَ.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۱۲) در روایات بسیاری از منابع شیعی استغفار و اثرات آن، هفتاد مرتبه استغفار در نماز وتر

۱. این حدیث در منابع شیعی نیز آمده است. در روایت ذیل، به نقل از امام باقر (علیه السلام) قسمت اول حدیث فوق، این‌گونه ذکر شده است: «و روى أبو حمزة الثمالي عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: سمعته يقول: ما من عبد يؤثر على الحج حاجة من حوائج الدنيا إلا نظر إلى المحلقين قد أنصرفوا قبل أن تقضى له تلك الحاجة.» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۴۲۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱، ۱۳۶) روایتی دیگر با همین مضمون از امام صادق (علیه السلام) از اجداد بزرگوارش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این‌گونه نقل شده است: «أخبرنا محمد، حدثني موسى، حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): من أراد الحج فشغله حاجة من أمر الدنيا لم تقض له حاجة حتى يرى المحلقين و من استعان بأخيه المسلم یمشى معه فى حاجة فلم يفعل بلاه الله بمثله من المشى فى ما لا يؤجر فيه.» (ابن‌اشعث کوفی، بی‌تا: ۶۵)

و ... بیان شده است، اما روایت فوق در هیچ‌یک از منابع شیعی یافت نشد.

۴- سیوطی در تفسیر آیه ۲۳ سوره یونس از امام باقر (علیه‌السلام) چنین نقل کرده است: «و أخرج أبو نعیم فی الحلیة عن أبي جعفر محمد بن علی رضی الله عنه قال: ما من عبادة أفضل من أن يسأل و ما يدفع القضاء الا الدعاء و ان أسرع الخیر ثواباً البر و اسرع الشر عقوبة البغی و كفی بالمرء عیباً ان يبصر من الناس ما يعمی علیه من نفسه و ان يأمر الناس بما لا يستطيع التحول عنه و ان يؤذی جلیسه بما لا يعنيه.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳، ۳۰۴) روایت فوق، در بسیاری از کتب حدیثی شیعه به طرق مختلف از امام باقر (علیه‌السلام) با همین متن ذکر شده است. تنها تفاوت متن حاضر با متون یادشده این است که در اکثر روایات به جای "ان یأمر الناس" عبارت "ان یعیّر الناس" و در برخی هم "ان ینهی الناس" آمده است. (صدوق، ۱۳۶۴: ۲۷۵؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲، ۱۱۸؛ برقی، ۱۳۷۱: ۱، ۲۹۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵، ۲۹۲)

۱-۲. بیان آموزه‌های اخلاقی و آداب و سنن

برخی از روایات ائمه (علیهم‌السلام) در تفسیر الدر المنثور، در بیان اذکار یا توصیه مداومت بر آن است که در ذیل به این موارد اشاره می‌شود:

۱- ذیل اولین آیه سوره حمد از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است: «و أخرج أبو نعیم فی الحلیة و البیهقی عن جعفر بن محمد قال: فقد أبي بغلته فقال: لئن ردها الله علی لأحمدنه بمحامد یرضاها فما لبث ان أتى بها بسرجهها و لجامها فركبها فلما استوی علیها رفع رأسه إلى السماء فقال: الْحَمْدُ لِلَّهِ لَمْ يزد علیها. فقیل له فی ذلك فقال: و هل ترکت شیئاً أو أبقيت شیئاً جعلت الحمد كله لله عز و جل.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱، ۱۲) روایت فوق در برخی منابع شیعی از طرق مختلف از امام صادق (علیه‌السلام) با همین متن نقل شده است. (اربلی، ۱۳۸۱: ۲، ۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶، ۲۹۰)

۲- ذیل آیه ۱۲ سوره فاطر نقل شده است: «... عن أبي جعفر قال كان رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم إذا شرب الماء قال: الحمد لله الذي جعله عذبا فراتاً برحمته و لم يجعله ملحاً أجاباً بذنوبنا.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵، ۲۴۷) این روایت که ذیل آیه ۶۹ سوره واقعه نیز از امام باقر (علیه‌السلام) ذکر شده است، (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶، ۱۶۱) در منابع شیعی نیز با همین متن گزارش شده است. (کلینی، ۱۳۶۵: ۶، ۳۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶، ۲۶۸)

۳- در تفسیر الدر المنثور ذیل آیه ۷ سوره ابراهیم آمده است: «و أخرج أبو نعیم فی الحلیة من طریق مالك بن أنس، عن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين قال: لما قال له سفیان

الثوری رضی الله عنه: لا أقوم حتى تحدثنی، قال جعفر رضی الله عنه: اما انی أحدثک و ما کثرة الحدیث لك بخیر یا سفیان! إذا أنعم الله عليك بنعمة فأحبت بقاءها و دوامها فأكثر من الحمد و الشکر علیها فان الله تعالى قال فی کتابه: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ (ابراهیم/۷) و إذا استبطأت الرزق فأكثر من الاستغفار فان الله تعالى قال فی کتابه: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ﴾ (نوح/۱۱ و ۱۲) یعنی فی الدنيا و الاخرة ﴿وَ یَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ یَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً﴾ (نوح/۱۲) یا سفیان، إذا أحزنك أمر من سلطان أو غیره فأكثر من "لا حول و لا قوة الا بالله" فإنها مفتاح الفرج و كنز من كنوز الجنة. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۷۱) این حدیث از نظر سند و متن با روایات شیعی مطابق می‌کند. (اربلی، ۱۳۸۱: ۲، ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۲۰۰ و ۲۲۶)

۴- سیوطی ذیل آیه ۳ سوره حدید آورده است: «وَأُخْرِجَ ابْنَ أَبِي الدُّنْيَا وَ البیهقی عن محمد بن علی رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه [وآله] و سلم علم علیاً دعوة يدعو بها عند ما أهمه فكان علی رضی الله عنه یعلمها لولده: یا کائن قبل کل شیء و یا مکنون کل شیء و یا کائن بعد کل شیء افعل بی کذا و کذا.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶، ۱۷۱) در بسیاری از روایات شیعی، ذکر "یا کائن قبل کل شیء و یا مکنون کل شیء..." در حدیثی طولانی ذکر شده است، اما روایت فوق یافت نشد.

۱-۳- بیان خواص آیات

در روایات منقول از ائمه معصوم (علیهم السلام) در الدر المنثور، روایاتی مشتمل بر بیان آثار و خواص آیات و سور یافت می‌شود که در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نیز در مورد آیات نخستین سوره یس آمده است: «وَأُخْرِجَ الحَاكِمَ وَ البیهقی عن أبي جعفر محمد بن علی قال: من وجد فی قلبه قسوة فلیکتب ﴿یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ﴾ (یس/۱ و ۲) فی جام من زعفران ثم یشربه.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵، ۲۵۷) در بررسی انجام شده در منابع شیعی روایت فوق یافت نشد.

۱-۴- بیان تفصیل آیات

فهم کامل برخی آیات نیاز به تفصیل و تبیین دارد و ظاهر آیه یا عبارتی از آن مبین مفهوم و مراد خداوند متعال نیست، که این مهم یا به واسطه آیات دیگر یا به واسطه روایات تأمین می‌شود. سیوطی در تفسیر خود از امام باقر (علیه السلام) روایاتی چند آورده است که مبین مراد و مفهوم آیات می‌باشند:

۱- ذیل آیه ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ...﴾ (بقره/۳۷) به نقل از ایشان می‌نویسد: «... فتقول: سبحانک اللهم و بحمدک لا اله الا أنت رب انی ظلمت نفسی و عملت السوء

فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا أنت اللهم انی أسألك بجاه محمد عبدك و کرامته علیک أن تغفر لی خطیئتی...» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱، ۶۰) در منابع شیعی روایاتی که در بحث توبه آدم (علیه‌السلام) بیان شده است، از نظر سند و متن با روایت فوق متفاوت است. سیوطی روایات بسیاری ذیل این آیه و در تفسیر واژه "کلمات" آورده است. که تنها در معدودی از آن‌ها منظور از "کلمات"، نام مقدس اهل بیت ذکر شده است: «...قل: اللهم انی أسألك بحق محمد و آل محمد سبحانک لا إله إلا أنت عمِلْتُ سوء و ظَلَمْتُ نَفْسِی فَأَغْفِرْ لِي إِنَّکَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اللهم انی أسألك بحق محمد و آل محمد سبحانک لا إله إلا أنت عمِلْتُ سوء و ظَلَمْتُ نَفْسِی فَتُبَّ عَلَیَّ إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ فَهَوْلَاءِ الْکَلِمَاتِ الَّتِی تَلَقَّى آدَمَ.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱، ۶۰) در یکی از این روایات نیز به نقل از ابن عباس، به نام مقدس پنج تن اشاره شده است: «و آخرج ابن النجار عن ابن عباس قال: سألت رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم عن الکلمات الَّتِی تلقاها آدم من ربه فَتَابَ عَلَیْهِ قَالَ: سأل بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين إلا تُبَّتَ عَلَیَّ فَتَابَ عَلَیْهِ.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱، ۶۰) تفاسیر شیعی به اتفاق نام مبارک پنج تن را در توبه آدم (علیه‌السلام) ذیل این آیه به عنوان مصداق "کلمات" ذکر کرده‌اند. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱، ۴۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱، ۲۲۸؛ شیبانی، بی تا: ۱، ۱۲۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱، ۶۸) ۲- ذیل آیه ﴿حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ (بقره/۲۳۸) روایت شده است: «و آخرج ابن المنذر من طریق أبی جعفر محمد بن علی بن حسین، عن علی بن ابی طالب قال: الصلاة الوسطی هی الظهر.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱، ۳۰۲) روایات شیعی نیز همین معنا را از امام باقر (علیه‌السلام) و دیگر ائمه آورده‌اند، اما از نظر سند و متن، کمی با این روایت متفاوت است. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳، ۲۷۱؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱، ۱۹۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱، ۱۲۷؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۲، ۲۴۱)

۱-۵. بیان شرح واژگان

دسته‌ای از روایات تفسیری، روایاتی هستند که به بیان معنا و شرح واژگان می‌پردازند. از این نمونه روایات در منقولات صادقین (علیهم‌السلام) در الدر المنثور می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- ذیل آیه ۱۴ سوره آل عمران می‌خوانیم: «...عن أبی جعفر قال: القنطار خمسة عشر ألف مثقال و المثقال أربعة و عشرون قیراطاً.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۱۱) لغت‌شناسان (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵، ۱۱۹) و مفسران (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۳۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲، ۹۷) منظور از قنطار را مال کثیر و عظیم دانسته‌اند، اما مقدار این مال در قرآن ذکر نشده

است که با استفاده از روایت، مشخص می‌شود. بعضی، آن را آن مقدار طلا دانسته‌اند که پوست گاوی را پر کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲، ۷۱۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۶، ۲۰) طریحی در بیان مقدار آن، به حدیث یادشده اشاره کرده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳، ۴۶۱)

۲- ذیل آیه ﴿وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِیْنَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ﴾ (کهف/۲۸) روایت شده است: «...عن ابی جعفر فی الآیة قال أمر ان یصبر نفسه مع أصحابه یعلمهم القرآن.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۲۲۰) این روایت مراد از شکیبایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را صبر و بردباری در تعلیم قرآن بیان می‌کند، در حالی که در تفاسیر آمده است: «تعبیر به "و اصبر نفسک" اشاره به این واقعیت است که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از ناحیه دشمنان مستکبر و اشراف در فشار بود که گروه مؤمنان فقیر را از خود براند. لذا خداوند دستور می‌دهد که در برابر این فشار، صبر و استقامت پیشه کند و هرگز تسلیم آنها نشود.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳، ۲۴۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵، ۱۲۲؛ قطب، ۱۴۱۲: ۴، ۲۲۵۸)

۳- سیوطی ذیل آیه ﴿یَوْمَ نَطْوِی السَّمَاءَ کَطَیِّ السَّجْلِ لِلْکُتُبِ کَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقِ نُعِیدُهُ وَ عَدًّا عَلَیْنَا إِنَّا کُنَّا فَاعِلِیْنَ﴾ (انبیاء/۱۰۴) روایت می‌کند: «...عن ابی جعفر الباقر قال السجل ملک و کان هاروت و ماروت من أعوانه و کان له کل یوم ثلاثا لمحات ینظرهن فی أم الكتاب فنظر نظرة لم تکن له فأبصر فیها خلق آدم و ما فیہ من الأمور فأسر ذلك إلى هاروت و ماروت فلما قال تعالی: ﴿إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیْفَةً﴾ قالوا: ﴿أَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُفْسِدُ فِیْهَا﴾ (بقره/۳۰) قال: ذلك استطالة علی الملائكة.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۳۴۰) چنین روایتی در منابع شیعی وجود ندارد. ابن کثیر در تفسیر خود این روایت را از ابن ابی حاتم نقل می‌کند و می‌گوید: «و هذا أثر غریب و بتقدیر صحته إلى ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین الباقر فهو نقله عن أهل الكتاب، و فیہ نکارة توجب رده، و الله أعلم، و مقتضاه أن الذین قالوا ذلك إنما كانوا اثنین فقط، و هو خلاف السیاق. و أغرب منه ما رواه ابن ابی حاتم أيضا حیث قال: حدثنا أبی، حدثنا هشام بن أبی عیبدالله، حدثنا عبدالله بن یحیی بن أبی کثیر قال: سمعت أبی یقول: إن الملائكة الذین قالوا: ﴿أَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ﴾ (بقره/۳۰) كانوا عشرة آلاف فخرجت نار من عندالله فأحرقتهم، و هذا أيضا اسرائیلی منکر كالذی قبله، و الله أعلم.» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱، ۱۲۷)

در تفسیر قمی آمده است که امام در ذیل جمله ﴿یَوْمَ نَطْوِی السَّمَاءَ کَطَیِّ السَّجْلِ لِلْکُتُبِ﴾ (انبیاء/۱۰۴) فرمود: "سجل" نام فرشته‌ای است که نامه‌های اعمال را می‌پیچد

و معنای پیچیدن آن این است که نابودش می‌کند و به صورت دود در می‌آید و زمین را به صورت آتش در می‌آورد. (قمی، ۱۳۶۷: ۲، ۷۷)

۶-۱- استشهاد به آیات

گاهی مواقع ائمه معصوم (علیهم السلام) در تفسیر برخی از آیات، به آیات دیگر قرآن کریم استشهاد می‌کردند. در روایات صادقین (علیهما السلام) در الدر المنثور تنها مورد ذیل از این دست، یافت شد:

- ذیل آیه ۹۵ سوره مائده در روایتی می‌خوانیم: «ابن‌ابی‌حاتم از ابی‌جعفر محمد بن علی نقل کرده که مردی از علی (علیه‌السلام) پرسید: هدی (قربانی در حج) از چه چیز باید باشد؟ فرمود: از هشت جفت، مرد سائل نفهمید و به شک افتاد، امام فرمود: شماها قرآن می‌خوانید؟ هیچ شنیده‌ای که خدای تعالی فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ﴾؟ (مائده/۱) عرض کرد: آری، حضرت فرمود: شنیده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: ﴿لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ﴾ (حج/۳۶) و نیز می‌فرماید: ﴿وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا﴾ (انعام/۱۴۲) و نیز می‌فرماید: ﴿فَكُلُوا مِنَ الْبَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ﴾؟ عرض کرد: آری همه این‌ها را شنیده‌ام. امام فرمود: آیا شنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿مَنْ الضَّانِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ﴾؟ (انعام/۱۴۳-۱۴۴) عرض کرد: آری شنیده‌ام. فرمود: آیا شنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ﴾ (مائده/۹۵) تا آنجا که می‌فرماید: ﴿هَدْيًا بِالْكَعْبَةِ﴾ (مائده/۹۵) عرض کرد: آری شنیده‌ام، فرمود: اگر من آهویی شکار کنم و بکشم بنا بر این چه کفاره‌ای بر من واجب می‌شود؟ عرض کرد: گوسفند، علی (علیه‌السلام) پرسید: آیا باید آن را به کعبه برساند؟ مرد عرض کرد: آری، حضرت فرمود: مطلب همین است. چون همان‌طور که شنیده‌ای خداوند آن هدی را "بالغ‌الکعبه" نامیده است. «(سیوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۳۳۰) ابن‌ابی‌حاتم، این روایت را با همین سند و متن نقل کرده است. (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۴، ۱۲۰۷) علامه نیز آن را به نقل از سیوطی در تفسیر خود آورده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶، ۱۴۶)

۷-۱- بیان مراد خداوند

روایاتی که مبین مراد خداوندند نقش بسزایی در تفسیر آیات دارند از جمله این روایات در اخبار صادقین (علیهما السلام) نمونه ذیل می‌باشد:

- ذیل آیه ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَّزَّهُمْ أَزًّا فَلَا تَعَجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا﴾ (مریم/۸۴-۸۳) روایت شده است: «...عن ابی‌جعفر محمد بن علی فی قوله

إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا قَالَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى النَّفْسِ.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۲۸۴) در برخی تفاسیر نیز از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «أَنَّهُ سَأَلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا﴾ فَقَالَ: مَا هُوَ عِنْدَكَ؟ قَالَ السَّائِلُ: عِدَّةُ الْيَوْمِ، قَالَ: إِنَّ الْأَبَاءَ وَالْأُمَّهَاتَ يَحْصُونَ ذَلِكَ لَا وَ لَكِنَّهُ عِدَّةُ الْأَنْفَاسِ.» (قمی، ۱۳۶۷: ۲، ۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳، ۲۹۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲، ۳۵۷) روایت فوق را کلینی از امام صادق (علیه السلام) گزارش کرده است که از نظر سند و متن با هم تطابق دارند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳، ۲۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶، ۱۴۵)

۸-۱ - بیان فضایل

برخی از روایات تفسیری منقول از صادقین (علیهما السلام) در تفسیر سیوطی در بیان فضایل حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) می باشد. این روایات به شرح زیر است:

۱- سیوطی ذیل آیه ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه/۱۲۸) از امام صادق نقل می کند: «قال: لم يصبه شيء من ولادة الجاهلية و قال رسول الله صلى الله عليه و سلم خرجت من نكاح و لم أخرج من سفاح.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳، ۲۹۴) در تفاسیر اهل سنت نیز همین سند و متن گزارش شده است. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۶، ۱۹۱۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴، ۲۱۱) از علمای شیعی، علامه مجلسی همین مضمون را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵، ۱۱۷) سیوطی در روایت دیگری نیز نقل کرده است: «... عن أنس قال: قرأ رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾ فقال علي بن أبي طالب رضي الله عنه: يا رسول الله، ما معنى أنفسكم؟ فقال رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم: أنا أنفسكم نسباً و صهراً و حسباً ليس في و لا في آبائي من لدن آدم سفاح كلها نكاح.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳، ۲۹۴) این روایات نفی هرگونه پلیدی و ناپاکی از وجود مقدس رسول خدا و اجداد گرامی اش می باشد. عالمان شیعه بر این مطلب اجماع دارند که پدر و مادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همه اجداد آن بزرگوار تا آدم ابوالبشر همگی موحد بوده اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴، ۳۲۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴، ۱۰۳)

۲- ذیل همین آیه روایتی دیگر در مورد نسب پیامبر (صلی الله علیه و آله) از امام صادق (علیه السلام) گزارش کرده است: «... عن جعفر بن محمد، عن أبيه قال: قال رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم: أتاني جبريل عليه السلام فقال: يا محمد، ان الله عز و جل بعثني فطفت شرق الأرض و غربها و سهلها و جبلها فلم أجد حياً خيراً من العرب، ثم أمرني فطفت في

العرب فلم أجد حياً خيراً من مضر، ثم أمرني فطفت في مضر فلم أجد حياً خيراً من بني هاشم، ثم أمرني ان اختار من أنفسهم فلم أجد نفساً خيراً من نفسك» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳، ۲۹۵) ۳- ذیل آیه ۲۹ سوره طه، روایتی در فضیلت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آمده است: «... عن أبي جعفر محمد بن علي قال: لما نزلت ﴿وَاجْعَلْ لِي وِزيراً مِنْ أَهْلِى هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي﴾ (طه/۳۱-۲۹) کان رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم على جبل ثم دعا ربه و قال: اللهم اشدد أزرى بأخى على فاجابه إلى ذلك» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۲۹۵) همچنین در الدر المنثور است که ابن مردویه و خطیب و ابن عساکر، از اسماء بنت عمیس روایت کرده‌اند که گفت: «رسول خدا (صلى الله عليه و آله) را دیدم که در مقابل کوه ثبیر ایستاده بود و می‌فرمود: "ای کوه ثبیر روشن باش، ای کوه ثبیر روشن باش، بار الها از تو آن می‌خواهم که برادرم موسی خواست و آن این است که سینه‌ام را گشاده کنی و کارم را آسان سازی و گره از زبانم باز کنی تا سخنانم را بفهمند و از اهل بیتم برادرم علی را وزیرم سازی و پشتم را به وسیله او محکم کنی و او را در کار من شریک سازی تا تو را بسیار تسبیح کنیم و بسیار ذکر گوئیم که تو به ما بصیر هستی."» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۲۹۲) در بسیاری از منابع شیعه مطابق همین سند و متن نقل شده است. (ابن بطریق حلی، ۱۴۱۷: ۲۷۲؛ ابن طاووس، بی‌تا: ۱، ۱۳۳)

۹-۱- بیان اسباب نزول

گونه‌ای از روایات تفسیری، روایات سبب نزول می‌باشد.^۱ نمونه‌ای از این نوع روایات در روایات منقول از صادقین (علیهم‌السلام) به شرح زیر است:

- روایتی ذیل آیه ۲۶۷ سوره بقره بیان شده است که سبب نزول آن را چنین بیان می‌کند: «و أخرج عبد بن حميد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه قال: لما أمر النبي صلى الله عليه [وآله] و سلم بصدقة الفطر جاء رجل بتمر ردئ فأمر النبي صلى الله عليه [وآله] و سلم الذى يخرص النخل ان لا يجيزه فانزل الله ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ﴾ الآية.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱، ۳۴۵) منابع شیعی نیز همین مضمون را از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده‌اند. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱، ۱۵۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹، ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳، ۴۷)

۱. شأن نزول اعم از سبب نزول است. هرگاه به مناسبت جریانی درباره شخص یا حادثه‌ای، خواه در گذشته یا حال یا آینده یا درباره فرض احکام، آیه یا آیاتی نازل شود، همه این موارد را شأن نزول آن آیات گویند. اما سبب نزول، حادثه یا پیشامدی است که متعاقب آن، آیه یا آیاتی نازل شده باشد و به عبارت دیگر آن پیشامد باعث و موجب نزول گردیده باشد. لذا سبب اخص است و شأن اعم. (معرفت، ۱۳۸۹: ۸۷)

۱-۱۰- بیان شأن نزول

هرگاه آیه یا آیتی در مورد شخص یا اشخاصی نازل شود، آن را شأن نزول آن آیه گویند. از این نمونه روایت، یک مورد در منقولات صادقین (علیهما السلام) در الدر المنثور به قرار زیر است:

- ذیل آیات ۱-۳ سوره کوثر می‌خوانیم: «و أخرج البيهقي في الدلائل عن محمد بن علي قال: كان القاسم بن رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم قد بلغ ان يركب على الدابة و يسير على النجبية فلما قبضه الله قال عمرو بن العاصي لقد أصبح محمد أبت من ابنه فانزل الله ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ (کوثر/۱) عوضاً يا محمد عن مصيبتك بالقاسم ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ (کوثر/۲ و ۳) قال البيهقي: هكذا روى بهذا الاسناد و هو ضعيف و المشهور انها نزلت في العاصي بن وائل.» (سيوطي، ۶: ۱۴۰۴، ۴۰۴) سيوطي روایت دیگری نیز نقل کرده است که امام صادق (علیه‌السلام) از پدرش امام باقر (علیه‌السلام) شأن نزول آیه را عاص بن وائل بیان می‌کند. (سيوطي، ۶: ۱۴۰۴، ۴۰۴) تفاسیر شیعی نیز شأن نزول آیه را عاص بن وائل بیان کرده‌اند. (قمی، ۱۳۶۷: ۲، ۴۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۸۳۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۰، ۴۲۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵، ۶۸۵) آوردن روایت اول از بیهقی و اذعان وی بر ضعف سند آن توسط سیوطی را می‌توان دلیلی بر تأیید سیوطی بر ضعف آن و شهرت شأن نزول خبر دوم - عاص بن وائل - دانست.

۱-۱۱- جری و تطبیق

دسته‌ای از روایات تفسیری، روایات جری و تطبیق^۱ هستند که در این روایات، مصادیقی بر مفاهیم کلی آیات تطبیق می‌شود. یک مورد از این نوع روایات از امام صادق (علیه‌السلام) گزارش شده است: «و أخرج ابن سعد و ابن أبي حاتم عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده ان علياً قال للحسن: قم فاخطب الناس. قال: اني أهابك أن أخطب و انا أراك فتغيب عنه حيث يسمع كلامه ولا يراه. فقام الحسن فحمد الله و أثنى عليه و تكلم ثم نزل فقال علي رضي الله عنه: ﴿ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران/۳۴).» (سيوطي، ۱۴۰۴: ۲، ۱۸) روایاتی در این معنا مطابق همین سند در منابع شیعی نیز وارد شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳، ۳۵۰)

۱-۱۲- روایات تمثیلی

۱. "جری" به معنای جریان داشتن، تعبیری است که ائمه (علیهم السلام) برای بیان استمرار پیام قرآن در همه زمان‌ها به کار برده‌اند. تطبیق یعنی جریانی که در زمان نزول آیه بوده با جریانی بعد از آن تطبیق داده شود؛ مانند روایت فوق.

یکی از روش‌های انتقال و تفهیم مطلب به خواننده، استفاده از تمثیل است. این روش در آیات قرآن نیز به کار گرفته شده است. این روش، به خصوص در مواردی که فهم مطلب مشکل و دور از ذهن است، برای تقریب مطلب به ذهن به کار می‌رود؛ مانند مثالی که خداوند در آیه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ...﴾ (نور/۳۵) آورده است. علاوه بر آیات قرآن، استفاده از تمثیل در روایات نیز کاربرد دارد. نمونه‌ای از روایات تمثیلی منقول از ائمه (علیهم‌السلام) در تفسیر سیوطی به قرار زیر است:

ذیل آیه ﴿... وَ يُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...﴾ (حشر/۹) روایت شده است: «و أخرج البيهقي و ضعفه عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده قال: قال رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم: السخاء شجرة من شجر الجنة أغصانها متدليات في الدنيا من أخذ بغصن منها قاده ذلك الغصن إلى الجنة و البخل شجرة من شجر النار أغصانها متدليات في الدنيا من أخذ بغصن منها قاده ذلك الغصن إلى النار.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶، ۱۹۷) در بسیاری از منابع مطابق همین سند و متن روایت شده است. (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷۴) برخی نیز از امام صادق (علیه‌السلام) روایاتی در همین معنا آورده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۴، ۴۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹، ۱۹)

۱-۱۳- بیان فضایل آیات و سور

روایات بسیاری از معصومان (علیهم‌السلام) در بیان فضایل آیات و سور نقل شده است. نمونه‌ای از این دست روایات در روایات منقول از صادقین (علیهم‌السلام) چنین است: ذیل آیه ۱۱ سوره سجده می‌خوانیم: «و أخرج ابن أبي حاتم و أبوالشيخ عن أبي جعفر محمد بن علي رضي الله عنه قال: دخل رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم علي رجل من الأنصار يعودہ فإذا ملك الموت عليه السلام عند رأسه فقال رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم: يا ملك الموت، ارفق بصاحبي فانه مؤمن فقال: ابشر يا محمد فاني بكل مؤمن رفيق و اعلم يا محمد اني لأقبض روح ابن آدم فيصرخ أهله فأقوم في جانب من الدار فأقول و الله ما لي من ذنب و ان لي لعودة و عودة الحذر الحذر و ما خلق الله من أهل بيت و لا مدر و لا شعر و لا وبر في بر و لا بحر الا و أنا أتصفحهم في كل يوم و ليلة خمس مرات حتى اني لأعرف بصغيرهم و كبيرهم منهم بأنفسهم و الله يا محمد اني لا أقدر أقبض روح بعوضة حتى يكون الله تبارك و تعالی هو الذي يأمر بقبضه.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵، ۱۷۴) در منابع شیعی نیز مطابق همین سند و متن نقل شده است. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳، ۱۳۶)

۲- روایات جعلی

دسته‌ای از روایات تفسیری، روایات جعلی و موضوع هستند که دروغ‌گویان آن بر ساخته و به دروغ به معصوم نسبت داده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۵۲) در تفسیر الدر المنثور نیز تعدادی از روایات جعلی منسوب به امام باقر (علیه‌السلام) ذکر شده است که به بررسی و نقد آن می‌پردازیم.

۲-۱- فضایل ناروا

گونه‌ای از روایات تفسیری روایاتی هستند که در باب فضیلت‌سازی برای شخص یا گروهی بیان شده‌اند. متأسفانه این نوع روایات به برخی از ائمه معصوم نیز نسبت داده شده است که نمونه‌هایی از این نوع روایات منقول از صادقین (علیهم‌السلام) را در الدر المنثور مرور می‌کنیم:

۱- ذیل آیه ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۹۸) روایت می‌کند: «و أخرج ابن أبي داود في المصاحف عن أبي جعفر قال: كان أبوبكر يسمع مناجاة جبريل لرسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم و لا يراه.» (سيوطي، ۱۴۰۴: ۱، ۹۳) این روایت از جمله روایاتی است که به دروغ به امام نسبت داده شده است و در هیچ‌یک از منابع شیعی گزارش نشده است.

۲- ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران روایت شده است: «و أخرج ابن عساكر عن جعفر بن محمد، عن أبيه في هذه الآية قال: فجاء بابي بكر و ولده و بعمر و ولده و بعثمان و ولده و بعلي و ولده.» (سيوطي، ۱۴۰۴: ۲، ۴۰)

این گونه روایات از جمله روایاتی است که در باب فضیلت خلفا جعل شده است. سیوطی در هفت روایت از غیر ائمه (علیهم‌السلام) مراد از «بنائنا» را حسنین (علیهم‌السلام) و مراد از «نسائنا» را فاطمه (علیها‌السلام) و مراد از «انفسنا» را حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه‌السلام) بیان کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲، ۳۸-۴۰) که علما و مفسران شیعی نیز همین مطلب را بیان کرده‌اند. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲، ۱۴۴؛ ابن طاووس، بی‌تا: ۹۳؛ حلی، ۱۴۱۱: ۳۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱، ۶۳۰؛ ری شهری، بی‌تا: ۱، ۳۰۹) همچنین برخی از علمای اهل تسنن نیز بر این مطلب اتفاق نظر دارند. (نیشابوری، بی‌تا: ۷، ۱۲۰؛ ترمذی، بی‌تا: ۱۳، ۳۳۱)

۳- در تفسیر سوره قریش روایت شده است: «و أخرج ابن أبي شيبة عن أبي جعفر قال: قال رسول الله صلى الله عليه [وآله] و سلم: لا تقدموا قريشاً فتضلوا و لا تأخروا عنها

فتضلوا خيار قريش خيار الناس و شرار قريش شرار الناس و الذی نفس محمد بيده لولا أن تبطر قريش لأخبرتها ما لها عند الله.» (سيوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۳۹۹) به نظر می‌رسد این روایت از باب فضیلت‌سازی برای قبیله قریش باشد؛ زیرا خداوند معیار فضیلت و برتری را تقوی بیان می‌کند. (حجرات/۱۳) پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز معیار برتری و گمراهی را چیزی غیر از پیروی از قرآن نمی‌داند.

۲-۲- نسبت‌های ناروا

برخی از روایات تفسیری روایاتی هستند که در آنها نسبت‌های ناروایی به پیامبران الهی یا معصومان داده شده است. در میان روایات منقول از صادقین (علیهم‌السلام) نیز مواردی از این دست آمده است:

۱- در روایتی که به امام باقر (علیه‌السلام) نسبت داده شده است، عصمت پیامبر مورد تردید واقع شده است: «أخرج ابن المنذر عن عامر و أبي جعفر رضی الله عنه فی قوله ﴿لِيُعْزَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ﴾ (فتح/۲) قال: فی الجاهلیة و ما تأخَّرَ قال فی الإسلام.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶، ۷۰) در حالی که در تفسیر قمی از امام صادق (علیه‌السلام) ذیل همین آیه نقل شده است که فرمود: «ایشان گناهی نداشتند؛ حتی تصمیم بر گناهی هم نگرفتند، اما خدای تعالی گناهان شیعه‌اش را بر او حمل کرد و آن گاه آمرزید.» (قمی، ۱۳۶۷: ۲، ۳۱۴) علاوه بر این، سیوطی خود در جای دیگر از علی (علیه‌السلام) روایتی نقل می‌کند که دلیل بر عصمت پیامبر است: «قيل للنبي صلى الله عليه [وآله] و سلم: هل عبت و ثناً قط؟ قال: لا. قالوا: فهل شربت خمرأ قط؟ قال: لا. و ما زلت أعرف الذی هم علیه كفر و ما كنت أدری ما الكتاب ولا الايمان و بذلك نزل القرآن ﴿ما كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِيْمَانُ﴾ (شوری/۵۲).» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶، ۱۱۳)

۲- در تفسیر آیه ۲۴ سوره یوسف روایت شده است: «وأخرج أبوالشيخ و أبونعيم فی الحلیة عن جعفر بن محمد رضی الله عنه قال: لما دخل يوسف علیه السلام معها البيت و فی البيت صنم من ذهب قال: كما أنت حتى اعطى الصنم فانی أستحیی منه. فقال يوسف علیه السلام هذه تستحیی من الصنم أنا أحق أن أستحیی من الله فكف عنها و تركها.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۱۴) در حالی که پوشاندن بت از طرف زلیخا و انتقال یوسف به مطلبی که عمل زلیخا یادآوری کرد، برهانی نیست که خداوند آن را رؤیت برهان بنامد. و نیز در الدر المنثور آمده است: «أبوالشيخ از ابن عباس روایت کرده که گفت: یوسف (علیه‌السلام)، سه بار دچار لغزش شد: یکی آنجا که قصد زلیخا را کرد و در نتیجه به

زندانی افتاد و یکی آنجا که به رفیق زندانش گفت: «مرانزد اربابت یادآوری کن» و در نتیجه به کفاره اینکه یاد پروردگارش را فراموش کرد، مدت زندانش طولانی تر شد و یکی آنجا که نسبت دزدی به برادرانش داد و گفت: ﴿إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ﴾ و آنها هم در جوابش گفتند: ﴿إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ﴾ (یوسف/۷۷). «(سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۱۴) علامه این روایت را مخالف صریح قرآن می‌داند که مقام اجتناب و اخلاص را به یوسف نسبت داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱، ۱۶۷)

۳- ذیل آیه ۴۲ سوره هود روایت شده است: «و أخرج ابن جریر و ابن المنذر و ابن ابی حاتم و أبوالشیخ عن أبی جعفر محمد بن علی رضی الله عنه فی قوله ﴿و نادى نوح ابنة﴾ قال: هی بلغة طیبی لم یکن ابنه و کان ابن امرأته.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳، ۳۳۴) از علی (علیه‌السلام) نیز نقل می‌کند: «و أخرج ابن الأثیر فی المصاحف و أبوالشیخ عن علی رضی الله عنه انه قرأ و نادى نوح ابنها.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳، ۳۳۴) در حالی که شیخ صدوق از حضرت صادق (علیه‌السلام) روایت کرده است که فرمود: «خدای عز و جل به نوح فرمود: ﴿إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ﴾ برای اینکه او مخالف نوح بود. راوی می‌گوید: امام (علیه‌السلام) از من پرسید: مردم این آیه را که درباره پسر نوح است، چگونه قرائت می‌کنند؟ عرضه داشتیم: مردم آن را دو جور قرائت می‌کنند یکی ﴿إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾ و دیگری ﴿إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾ حضرت فرمود: مردم دروغ گفته‌اند، او پسر حقیقی نوح بود و لیکن خدای تعالی او را بعد از آنکه پدر را در دینش مخالفت کرد، نفی نموده و فرمود او اهل تو نیست.» (صدوق، بی‌تا: ۱، ۳۰؛ صدوق، ۱۳۷۰: ۱، ۷۵) علامه در این باره می‌نویسد: «اینکه گفته‌اند پسر متخلف، پسر صلیبی خود نوح نبوده، بلکه پسر همسرش و ربیبش بوده است، وجه درستی نیست؛ زیرا اولاً در لفظ آیه هیچ دلیلی بر آن نیست و ثانیاً با تعلیلی که خدای تعالی برای جمله او اهل تو نیست، آورده و فرموده است: "چون او عمل غیر صالح است"، نمی‌سازد؛ زیرا اگر واقعاً آن پسر ربیب نوح بوده باشد، باید خدای تعالی در تعلیلش بفرماید: "او پسر تو نیست؛ زیرا پسر زن تو است" و اگر خدای تعالی او را عمل غیر صالح خوانده از باب مبالغه است؛ همان‌طور که وقتی بخواهی در عدالت زید مبالغه کنی، می‌گویی: زید عدالت است؛ یعنی آن قدر دارای عدالت است که می‌توان گفت او خود عدالت است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰، ۲۳۵)

۴- در تفسیر آیه ۸۳ سوره کهف روایتی طولانی به نقل از امام باقر (علیه‌السلام) ذکر شده است که خلاصه بخشی از آن بدین قرار است: «ذوالقرنین با فرشته‌ای

به نام "زرافیل" دوست بود. از او رمز طول عمر و نشانی چشمه آب حیات را پرسید و زرافیل به او خبر داد که چشمه‌ای است در ظلمت سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از شهد، هر کس یک جرعه از آن بنوشد، نمیرد تا زمانی که خود از خداوند مرگش را طلب کند ... ذوالقرنین وارد ظلمات شد در حالی که خضر در مقدمه لشگرش قرار داشت. خود او موفق به خوردن از آن نشد، اما خضر موفق شد و حتی از آن آب غسل هم کرد و به همین جهت همیشه باقی و تا قیامت زنده است.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴، ۲۴۵) علامه می‌گوید: «روایات مروی از طرق شیعه و اهل سنت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و از طرق خصوص شیعه از ائمه هدی (علیهم‌السلام) و همچنین اقوال نقل شده از صحابه و تابعیان که اهل سنت با آنها معامله حدیث نموده‌اند، درباره داستان ذوالقرنین بسیار اختلاف دارد؛ آن هم اختلاف‌هایی عجیب و آن هم نه در یک بخش داستان، بلکه در تمامی خصوصیات آن ... و از همه مطالب غریب‌تر روایاتی است که علمای یهود که به اسلام گرویدند - از قبیل وهب بن منبه و کعب الاحبار - نقل کرده یا اشخاص دیگری که از قرائن به دست می‌آید از همان یهودیان گرفته و نقل نموده‌اند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳، ۳۶۹) علامه پس از نقل اختلافات شایع در روایات مختلف، این روایت را آورده است: «در کتاب کمال الدین به سند خود از اصبع بن نباته روایت کرده که گفت: ابن الکواء در محضر علی (علیه‌السلام) برخاست و گفت: "یا امیر المؤمنین، ما را از داستان ذوالقرنین خبر بده که آیا پیغمبر بوده یا ملک؟ و مرا از دو قرن او خبر بده آیا از طلا بوده یا از نقره؟ حضرت فرمود: نه پیغمبر بود و نه ملک. و دو قرنش نه از طلا بود و نه از نقره. او مردی بود که خدای را دوست می‌داشت و خدا هم او را دوست داشت. او خیرخواه خدا بود، خدا هم برایش خیر می‌خواست و بدین جهت او را ذوالقرنین خواندند که قومش را به سوی خدا دعوت می‌کرد و آنها او را زدند و یک طرف سرش را شکستند. پس مدتی از مردم غایب شد و بار دیگر به سوی آنان برگشت، این بار هم زدند و طرف دیگر سرش را شکستند و اینک در میان شما نیز کسی مانند او هست."» علامه در ذیل این حدیث می‌نویسد: «این که فرمود: "اینک در میان شما مانند او هست،" مقصود، خودش بوده است؛ چون یک طرف فرق سر ایشان از ضربت ابن عبود شکافته شد و طرف دیگر به ضربت ابن ملجم که با همین ضربت دومی شهید گردید.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳، ۳۷۴)

نتیجه گیری

از مجموع آنچه گفته آمد موارد زیر را به عنوان خلاصه و نتیجه بحث تقدیم می‌دارد:

- ۱- روایات تفسیری منقول از ائمه معصوم در تفسیر الدر المنثور شامل گونه‌های مختلف حدیثی است. با گونه‌شناسی روایات تفسیری منقول از صادقین (علیهما السلام) در این تفسیر، روایاتی سخیف و غیرقابل قبول یافت می‌شود که برخی عالمان چون علامه طباطبایی به نقد آن‌ها پرداخته‌اند.
- ۲- وجود این دست روایات جعلی در این تفسیر، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که سیوطی با دیدگاه خاصی این نوع روایات را از ائمه شیعه نقل کرده است، اما وجود روایات صحیح در الدر المنثور که وجوه اشتراکی با روایات شیعی دارد، این قضاوت را در بوته تردید می‌افکند.
- ۳- شاید بتوان گفت که سیوطی بدون نیت سوئی و تنها با هدف جمع‌آوری هر چه بیشتر روایات، این گونه روایات را از منابع پیش از خود گرفته و گزارش کرده است. در هر حال وجود روایات جعلی در این تفسیر که برخی از آنها به ائمه معصوم (علیهم السلام) نیز نسبت داده شده است، از اعتبار این تفسیر می‌کاهد. بنابراین قرآن‌پژوهان باید در مراجعه به این تفسیر نهایت دقت را مبذول دارند.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آلوسی، محمود، ۱۴۱۵: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۳- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹: تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ۴- ابن بطریق حلی، یحیی بن حسن. ۱۴۱۷: العمدة. قم: جامعه مدرسین.
- ۵- ابن طاوس، جمال‌الدین، بی تا: سعد السعود، قم: دار الذخائر.
- ۶- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹: تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۷- ابن اشعث کوفی، محمد بن محمد، بی تا: الجعفریات، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- ۸- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴: لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ۹- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ۱۰- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱: کشف الغمة، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.

- ۱۱- بحرانی، سیدہاشم، ۱۴۱۶: البرہان فی تفسیر القرآن، تہران: بنیاد بعثت.
- ۱۲- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱: المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیہ.
- ۱۳- ترمذی، ابو عیسیٰ، بی تا: سنن الترمذی، بی جا: بی نا.
- ۱۴- حرانی، حسن بن شعبہ، ۱۴۰۴: تحف العقول، قم: انتشارات جامعہ مدرسین.
- ۱۵- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹: وسائل الشیعۃ الی تحصیل مسائل الشریعہ، قم: آل البیت.
- ۱۶- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱: کشف الیقین، بی جا: بی نا.
- ۱۷- راغب اصفہانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲: المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دار العلم.
- ۱۸- ری شہری، محمد، بی تا: میزان الحکمۃ، قم: دار الحدیث.
- ۱۹- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷: الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۲۰- _____، ۱۴۰۰: الطرائف. قم: چاپخانہ خیام.
- ۲۱- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴: الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی.
- ۲۲- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳: تفسیر شریف لاهیجی، تہران: دفتر نشر داد، چاپ اول.
- ۲۳- شہید ثانی، زین الدین، ۱۴۱۳: الرعاۃ فی علم الدراریہ، تحقیق: عبدالحسین بقال، قم: مکتبۃ آیۃ اللہ مرعشی، چاپ دوم.
- ۲۴- شیبانی، محمد بن حسن، بی تا: نہج البیان عن کشف معانی القرآن، بی جا: بی نا.
- ۲۵- صدوق، محمد بن علی بن بابویہ، ۱۴۰۳: الخصال، قم: انتشارات جامعہ مدرسین.
- ۲۶- _____، ۱۴۱۳: من لا یحضرہ الفقیہ، قم: انتشارات جامعہ مدرسین.
- ۲۷- _____، ۱۳۶۴: ثواب الاعمال، قم: انتشارات شریف رضی.
- ۲۸- _____، ۱۳۷۸: عیون اخبار الرضا، قم: انتشارات جہان.
- ۲۹- _____، بی تا، علل الشرایع، قم: انتشارات مکتبۃ الداوری.
- ۳۰- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷: میزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعہ مدرسین، چاپ پنجم.
- ۳۱- طبرسی، ابو الفضل علی بن حسن، ۱۳۸۵: مشکات الانوار، نجف: کتابخانہ حیدریہ.
- ۳۲- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تہران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- ۳۳- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲: جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفۃ.
- ۳۴- طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵: مجمع البحرین، تہران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- ۳۵- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴: الامالی، قم: انتشارات دار الثقافۃ.
- ۳۶- _____، ۱۳۶۵: تہذیب الاحکام، تہران: دار الکتب الاسلامیہ.
- ۳۷- عبدالباقی، محمدفؤاد، ۱۳۸۴: المعجم المفہرس لالفاظ القرآن الکریم، تہران:

- انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ۳۸- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵: تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ۳۹- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰: کتاب التفسیر، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
- ۴۰- غروی نائینی، نهله، ۱۳۷۹: فقه الحدیث و روش‌های نقد متن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴۱- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰: مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- ۴۲- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵: تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم.
- ۴۳- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱: قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- ۴۴- قطب، سید بن ابراهیم، ۱۴۱۲: فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
- ۴۵- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷: تفسیر علی بن ابراهیم قمی، قم: دار الکتب.
- ۴۶- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵: الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۴۷- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳: بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- ۴۸- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۹: علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
- ۴۹- معماری، داوود، ۱۳۸۶: مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه دانشوران شیعه، قم: بوستان کتاب.
- ۵۰- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴: تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۵۱- مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۳: الفصول المختارة، قم: کنگره شیخ مفید.
- ۵۲- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳: ترجمه قرآن، قم: دار القرآن الکریم.
- ۵۳- نیشابوری، مسلم بن حجاج، بی تا: صحیح مسلم، بیروت: دار الجبل.